

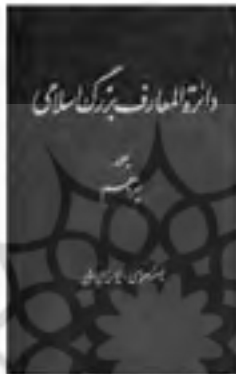


مقایسه

یک مدخل

در دو

دایرة المعارف



سعید کریمی

در سال ۱۳۶۲ شمسی برای تحقیقی جامع درباره فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم ملل مسلمان دو مرکز در ایران تأسیس شد: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی و بنیاد دائرة المعارف اسلامی. نخستین محصول تحقیقاتی مرکز دائرة المعارف، دائرة المعارف بزرگ اسلامی بود (که از این به بعد به آن دائرة المعارف می‌گوییم) و نخستین محصول تحقیقاتی بنیاد دائرة المعارف، دانشنامه جهان اسلام (که از این به بعد به آن دانشنامه می‌گوییم). تاکنون پانزده جلد از دائرة المعارف و دوازده جلد از دانشنامه منتشر شده است.

دائرة المعارف نویسی در کشور ما دانش نوپایی است که پیش از انقلاب اسلامی شروع شده و پس از فراز و نشیب‌های فراوان و گذراندن مراحل اولیه و روش‌های ابتدایی مراحل تکامل خود را می‌پیماید. البته صرف‌نظر از کارکنان دائرة المعارف‌های کنونی ما که هنوز در همان چند حرف اول الفبا مانده‌اند و به

قول طنزآمیز آقای فانی شاید بهتر باشد دایرة المعارف نویسی را از حرف آخر شروع کنید تا مگر ما در طول عمر خود انتشار مجلدات آخر حروف الفبا را ببینیم. دایرة المعارف و دانشنامه نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و پس از گذشت ۲۵ سال از زمان تأسیس، دایرة المعارف تا حرف «ت» و دانشنامه تا حرف «ح» پیش رفته است. چنان که ملاحظه می‌کنیم، کار هر دو بسیار کند پیش می‌رود و در این میان کار دایرة المعارف حتی کندتر از کار دانشنامه است. دلیل آن هم این است که اولاً تعداد مدخل‌های دایرة المعارف زیاده‌تر از دانشنامه است و ثانیاً مقالات آن نسبت به مقالات دانشنامه طول و تفصیل بیشتری دارد.

باری، از آن‌جا که پاره‌ای از مدخل‌های دایرة المعارف و دانشنامه شبیه به هم است، عمده‌ترین خطری که آنها را تهدید می‌کند موازی‌کاری آنهاست. البته از منظر دیگری هم می‌توان به این مسئله نگاه کرد و این موازی‌کاری را خطر ندانست. شاید گاهی موازی‌کاری دارای رهیافت‌های تازه و روش‌های جدید و اطلاعات تازه باشد و این اتفاقاً حسن آنها محسوب می‌شود. به عنوان مثال مقاله «تبریزی، امین‌الدین» در جلد چهاردهم دایرة المعارف چاپ شده است. همین مدخل می‌تواند با اطلاعات تازه‌تر و رهیافت‌های جدیدتر در جلدهای

آتی دانشنامه هم چاپ شود و این لزوماً به معنای پر خطر بودن موازی‌کاری نیست. چون که علم دائماً در حال پیشرفت است و چه بسا هر لحظه اطلاعات تازه‌ای به دست آید که تا دیروز خبری از آنها نبود. اما تاکنون به‌ندرت پیش آمده است که دائرة المعارف و دانشنامه مدخل مشابهی داشته باشند و از خطر موازی‌کاری (به معنی تکرار اطلاعات پیشین) رسته باشند. با این حال گاه وضع از این هم خراب‌تر می‌شود و پا را از موازی‌کاری فراتر می‌گذارد. اما چگونه؟

اکثر مقالات دائرة المعارف و دانشنامه جنبه تاریخی و توصیفی دارد. به عبارت دیگر نوعی گزارش است. با این همه گاهی هم مقالاتی نوشته می‌شود که دارای تحلیل و نظریه و نوآوری است. بنابراین، اگر مثلاً درباره «تخت جمشید» مقاله‌ای در دانشنامه چاپ شود و آن مقاله دارای تحلیل منحصر به فرد و نظریه و نوآوری باشد و پس از آن راجع به همین مدخل مقاله‌ای نیز در دائرة المعارف چاپ شود و همان تحلیل منحصر به فرد و نظریه و نوآوری را تکرار کند، بدون آنکه به منبع آن که دانشنامه است اشاره نماید، دیگر اسم آن را نمی‌توان موازی‌کاری گذاشت. بلکه باید به آن «سرقت ادبی» گفت؛ کاری که در عالم تحقیق بسیار ناپسند و غیر اخلاقی است. اما برای اینکه مصداق این سرقت ادبی نشان داده شود، بهتر است برای نمونه مدخلی را که هم در دانشنامه مقاله دارد و هم در دائرة المعارف مورد بررسی قرار دهیم.

«پیر» مدخلی است که هم در دائرة المعارف مقاله دارد و هم در دانشنامه. مقاله «پیر» دانشنامه شامل دو قسمت است: «واژه‌شناسی» و «در عرفان». قسمت واژه‌شناسی آن را آقای ایرج پروشانی نوشته (تقریباً ۲۵۰ کلمه) و سابقه آن را در زبان‌های باستانی بررسی کرده است و قسمت عرفانی آن، نوشته آقای دکتر نصرالله پورجوادی (در حدود ۲۵۰۰ کلمه) است و در سال ۱۳۷۹ شمسی در جلد پنجم (صص ۸۹۲-۸۹۸) چاپ شده است. مقاله «پیر» در دائرة المعارف نیز دارای دو قسمت است. قسمت عرفانی «پیر» که به قلم خانم فاطمه لاجوردی، مدیر بخش ادیان و عرفان مرکز دائرة المعارف (در حدود ۲۵۰۰ کلمه) است و قسمت «پیر نزد اسماعیلیه» نوشته آقای فرهاد دفتری (تقریباً ۷۵۰ کلمه) که در سال ۱۳۸۵ شمسی در جلد چهاردهم (صص ۱۰۳-۱۰۸) چاپ شده است.

بحث ما در اینجا مقایسه قسمت عرفانی مقاله «پیر» دانشنامه با قسمت عرفانی مقاله «پیر» دائرة المعارف است. روش کار به این صورت است که ابتدا شباهت‌های هر دو مقاله ذکر می‌شود و سپس به بررسی این شباهت‌ها پرداخته خواهد شد.

۱.

دانشنامه (ص ۸۹۳): ... در مناطق غرب ایران، در آذربایجان و جبال و فارس، از عنوان «بابا» [به جای پیر] استفاده می‌شده است.

دائرة المعارف (ص ۱۰۳): پیر، اصطلاحی عرفانی... معادل...بابا در لهجه‌های غرب ایران و در زبان ترکی.

۲.

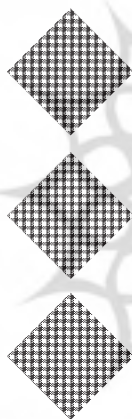
دانشنامه (ص ۸۹۴): مولوی نیز گاه پیر را «نردبان آسمان» معرفی می‌کند... [به نظر او] هیچکس بدون پیر نمی‌تواند سالم در این سفر بر آفت و مخاطره‌انگیز به مقصد برسد.

دائرة المعارف (ص ۱۰۵): مولانا پیر را «نردبان آسمان» خوانده و صعود سالک به آسمان معنا را تنها از طریق او میسر دانسته است.

۳.

دانشنامه (ص ۸۹۴): پیر به عنوان یک شخص واقعی که در زاویه یا خانقاهی اقامت دارد و راهنمایی مریدان خود را بر عهده می‌گیرد نخستین معنایی است که از این لفظ اراده می‌شده است. ولی از قرن پنجم به بعد معنای دیگری نیز برای این لفظ در نظر گرفته می‌شود و آن، پیر به معنای راهنمایی درونی است. این پیر در عالم مثال یا ملکوت دیده می‌شود و فلاسفه اصطلاحاً به او «عقل فعال» می‌گویند.

دائرة المعارف (ص ۱۰۴): علاوه بر معنای رایج پیر،



یعنی راهنما و مرشد بیرونی در سلوک، این اصطلاح از سده ۵ق/۱۱م به بعد در متون عرفانی فارسی بار معنایی جدیدی به خود گرفته و پیر به راهنمای درونی و باطنی اطلاق شد... این پیر درونی... همان عقل فعال است....

۴.

دانشنامه (ص ۸۹۴):

قدیم‌ترین مأخذی که درباره این معنی [پیر به معنای راهنمایی درونی] در دست است رساله «حی بن یقظان» ابن‌سینا و ترجمه و شرح فارسی آن است که ظاهراً به قلم یکی از شاگردان شیخ رئیس در قرن پنجم نوشته شده است.

دائرة المعارف (ص ۱۰۵):

وصف این پیر درونی... نخستین بار در رساله حی بن یقظان ابن‌سینا آمده است که مترجمی، احتمالاً ابوعبید جوزجانی، شاگرد وی در سده ۵ ق. آن را به فارسی برگردانیده، و شرح کرده است.

۵.

دانشنامه (ص ۸۹۵):

پیر به معنایی که ابن‌سینا در رساله حی بن یقظان معرفی کرده است در آثار رمزی و عرفانی شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی، از جمله رساله‌های عقل سرخ و فی حالة الطفولیة و آواز پیر جبرئیل نیز دیده می‌شود... این پیر همان جبرئیل یا روح القدس است....

دائرة المعارف (ص ۱۰۵):

شهاب الدین یحیی سهروردی، شیخ اشراق نیز در رساله عقل سرخ خود داستان رویت این پیر نورانی را شرح داده [است]... در همه این گونه داستان‌های رمزی، این راهنمای درونی... به تعبیر شیخ اشراق «واهب الصور»، «جبرئیل» و «روح القدس» است.

۶.

دانشنامه (ص ۸۹۵):

پیر به معنای عقل فعال و راهنمای باطنی سالک پیش از سهروردی از راهی دیگر وارد ادبیات عرفانی و صوفیانه فارسی شده بود و شاعری که این کار را کرده بود حکیم سنایی بود... در مثنوی... سیر العباد... فریدالدین عطار در مثنوی مصیبت‌نامه پیر را به عنوان راهنمای سالک در طول سفر باطنی و معنوی معرفی می‌کند. [این پیر عطار] یک خصوصیت دارد که در پیر ابن‌سینا و سهروردی نیز هست و آن نورانی بودن اوست... پیر به معنای شخص نورانی که در دل سالک پیدا می‌شود، موضوعی است که قبل از عطار نجم‌الدین کبری نیز از آن سخن گفته است... این پیر غیبی با کسوتی صوفیانه در مثنوی مصباح الارواح که به شمس‌الدین بردسیری نسبت داده شده است... ظاهر می‌شود.

دائرة المعارف (ص ۱۰۵):

داستان دیدار با این پیر باطنی، با مضمون و جزئیاتی مشابه در سیر العباد و حدیقه



پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله مابعدالطبیعیات و علوم انسانی

الحقیقة سنایی و نیز قصیده‌ای از دیوان او، در مصیبت نامه عطار، فوائج الجمال و فوائج الجلال نجم الدین کبری و مصباح الارواح شمس الدین بردسیری کرمانی آمده است.
۷.

دانشنامه (ص ۸۹۶): در میان جوانمردان ایرانی نیز کاربرد پیر کاملاً متداول بوده است. ملا حسین کاشفی... در فتوت نامه سلطانی لفظ شیخ را به پیر معنی می‌کند.

دائرة المعارف (ص ۱۰۵): داستان دیدار با این پیر باطنی، با مضمون و جزئیاتی مشابه در سیر العباد و حدیقة الحقیقة سنایی و نیز قصیده‌ای از دیوان او، در مصیبت‌نامه عطار، فوائج الجمال و فوائج الجلال نجم الدین کبری و مصباح الارواح شمس الدین بردسیری کرمانی آمده است.
۸.

دانشنامه (ص ۸۹۶): در فتوت‌نامه چیت‌سازان از قول امام جعفر صادق (ع) آمده است که استادان کامل چیت ساز دوازده تن بودند که پیر ایشان حضرت امیر المومنین علی (ع) بود. در همین کتابی یک جا آمده است که عده پیران در صنف چیت سازان دوازده پیر بوده است.

دائرة المعارف (ص ۱۰۶): در فتوت‌نامه چیت‌سازان نیز به نقل از همان امام [ع] استادان چیت ساز ۱۲ تن و پیر همه ایشان امیر المومنین (ع) خوانده شده است.

۹.

دانشنامه (ص ۸۹۷): در میان درویشان معاصر ایران، کاربرد عنوان «پیر» هنوز هم رواج دارد. در سلسله خاکساریه بزرگترین مقام و مرتبه از آن پیر است. درویشان خاکسار چند نوع پیر دارند؛ یکی پیر صحبت است که همان پیر دلیل است... دیگر پیر خرجه... و دیگر پیر طریقت....

دائرة المعارف (ص ۱۰۶): در میان طریقه‌های صوفیانه معاصر ایران نیز اصطلاح پیر رواج کامل دارد... برای تشرف به سلسله خاکساریه، مرید شایسته نخست توسط یکی از دراویش که «پیر دلیل» نامیده می‌شود، با اصول و آداب این طریقه آشنا می‌گردد و برای شرکت در آیین خاص ورود به آن، آماده می‌شود....

مطالب مشابه در این دو مقاله بیش از مواردی است که ذکر شد. ولی برای کار ما همین‌نُه مورد کافی است. این نُه مورد را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد: دسته اول، شامل موارد اول، سوم، چهارم، پنجم و ششم است که در واقع یافته‌های مؤلف به شمار می‌آیند، و دسته دوم، عبارت از موارد دوم، هفتم، هشتم و نهم است که بیانگر بعد تاریخی مسئله است و نوعی شباهت ساختاری در موارد مزبور به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، در مقاله دانشنامه، پورجوادی به بعد تاریخی لفظ پیر پرداخته و معنای آن را در مثنوی معنوی مولوی و سپس در میان جوانمردان و فتیان و اهل حق و سرانجام سلسله خاکساریه بررسی کرده است. و مقاله پیر دائرة المعارف نیز درست به همین ترتیب نوشته شده است. گویی لاجوردی، مؤلف مقاله پیر دائرة المعارف، از مقاله پیر دانشنامه قالبی ساخته و دقیقاً در همین قالب حرکت کرده است، تنها فرق آن در پس و پیش کردن بعضی از کلمات و عبارات است. حتی اکثر منابعی هم که لاجوردی در موارد مزبور استفاده کرده است همان است که پورجوادی قبلاً در مقاله خود به کار برده است.

با وجود این، منظور نظر نگارنده، بیشتر، موارد دسته دوم است. این موارد بیانگر معنای متافیزیکی لفظ پیر و سیر تحول آن در فلسفه و عرفان است. تا پیش از درج مقاله پیر در دانشنامه، در عالم عرفان هیچ تحقیقی درباره پیر به معنای راهنمایی درونی و باطنی صورت نگرفته بود و برای اولین بار دکتر پورجوادی این بعد از معنای پیر را مورد تحقیق قرار داد و نتیجه تحقیقات خود را در دانشنامه منتشر کرد.^۱ بنابراین مؤلف مقاله پیر دائرة المعارف یا نایستی نتیجه تحقیقات دکتر پورجوادی را در مقاله خود می‌آورد، که در این صورت مقاله او بسیار سست می‌شود، یا حال که آنها را نقل کرده است بایستی منبع آن را نیز ذکر می‌کرد. ولیکن وی بدون ذکر منبع، نتیجه تحقیقات دکتر پورجوادی را در مقاله خود آورده است. آیا این کار غیر از «سرقت ادبی» است؟ کاری که به دور از شأن یک محقق است.

و اما متولیان دائرة المعارف و دانشنامه، در درجه اول وظیفه متولیان دائرة المعارف است که به این مسأله رسیدگی کنند و مانع از آن شوند که چنین مسائلی برای آن مرکز پیش آید و اعتبار و وجهه آن را زیر سؤال ببرد. کار دائرة المعارف نویسی بسیار خطیر است و علاوه بر صرف نیرو و وقت و سرمایه زیاد، صداقت و انصاف نیز می‌طلبد. بیشتر مقالات دائرة المعارف به زعم اکثر محققان بسیار تحقیقی است و همین مطلب نیز اسباب اعتبار آن را فراهم کرده است. ضمن آنکه بسیاری از استادان و متخصصان طراز اول کشور در آن مرکز گرد آمده‌اند و پشتوانه ارزشمندی برای آن به شمار می‌روند. علاوه بر این دائرة المعارف همزمان به زبان عربی ترجمه و چاپ می‌شود و جلد اول آن نیز به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ شده است.

در درجه دوم، از وظایف متصدیان دانشنامه جهان اسلام است که از حقوق مؤلفان خود دفاع کنند و از یاد نبرند که مؤلفان دانشنامه به ایشان «اعتماد» کرده‌اند و انتظار دارند که از حقوق آنان در مقابل سرقت‌های ادبی دفاع شود و الا باعث سلب اعتماد خواهد شد و از بین رفتن اعتماد زبانی به بار می‌آورد که اثرات آن در دراز مدت مشخص خواهد شد. |

پی‌نوشت

۱. البته ایشان کمابیش همین مطالب را به صورتی دیگر با عنوان «پیر گلرنگ» در نشر دانش، سال ۱۶، شماره ۴، ۱۳۷۸ و در کتاب اشراق و عرفان (مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۰، ص ۱۴۲-۱۷۷) چاپ کرد.

